جام جم

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه

سه‌شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۱ شماره ۶۲۱۵

نگاه

گفت‌وگوی «جام جم» با علی سرلک درباره ویژگی‌های شخصیتی آیت‌ا... فاطمی‌نیا

یک عارف انقلابی

۱۰

امروز زادروز رادیو گفت‌وگوست با مدیران آن به گپ و گفت نشسته‌ایم

«گفت‌وگو» راه حل مشکلات

۷

سعید سلطانی، کارگردان سریال «ستایش» در گفت‌وگو با «جام جم»:

فیلمنامه‌های جسور

۸

مروریلیس‌های ایرانی که در تلویزیون خوش درخشیدند

دوربین، صدا، شلیک!

۶

گزارش «جام جم» از بخش کودک و نوجوان نمایشگاه بین‌المللی کتاب

دست و جیغ و کتاب!

۱۱

جواد انصافی امروز ۷۱ ساله شد

مخابره‌کننده پیام شادی برای مردم

جواد انصافی، بازنشسته روابط عمومی مخابرات بوده و جالب این‌که روز تولدش، همزمان با روز جهانی مخابرات و ارتباطات (۱۷ می) است. فقط نمی‌دانیم انصافی به‌خاطر این تقدیر و همزمانی و رودربایستی تاریخی، پیوندی میان مخابرات و هنر برقرار کرده یا مهارت و توانایی‌اش در هر دو زمینه سبب‌ساز نامگذاری روز تولدش به‌عنوان روز جهانی مخابرات و ارتباطات شده است!

۹

نگاهی به فیلم سینمایی «مجبوریم» ساخته رضا درمیشیان

سیاسی بازی به‌جای فیلمسازی

نمایی از فیلم «مجبوریم» نوشین جعفری

۹

یادداشت

عجیب ولی واقعی

فرحناز منافی‌ظاهر
بازیگر

بعضی مواقع اتفاقاتی در کار بازیگری رخ می‌دهد که واقعا عجیب است و فی‌المثل برای خودم خیلی عجیب است که تا موقعی که واکسیناسیون کامل نشده بود، مدام به من پیشنهاد بازی در سریال‌های مختلف می‌شد و من از ترس کرونا نمی‌توانستم قبول کنم ولی حالا برعکس شده!

حالا که سه دز واکسن را زده‌ام و آماده بازی کردن هستم، از پیشنهاد کاری خبری نیست و انگاری فقط بازیگران قدیمی را فقط زمانی می‌خواهند که به علت شرایط سخت هیچ کس جرأت بازیگری ندارد؟

این خیلی عجیب است چرا توسعه نقش‌ها در سریال‌های تلویزیونی به سمت و سویی نمی‌رود که تمام بازیگران توانا بتوانند کار کنند و جلوی دوربین بروند. ناشکری نمی‌کنم چون به قدر کافی بازی کرده و دیده شده‌ام ولی آیا تهیه کنندگان نمی‌دانند برخی بازیگران قدیمی حتی هزینه اجاره خانه خود را به سختی جور می‌کنند و باید به آنها در پروژه‌های مختلف نقش داد؟

تلویزیون همان قدر که رسانه ملی است و باید برای کل ملت محتوا کند، باید بر سر جذب تمام بازیگران و هنرمندان هم فراگیری داشته باشد. حضور جدی نسل باتجربه هنرمندان که سال‌ها در تلویزیون حضور داشته‌اند و تلویزیون برای به تکامل رسیدن آنها هزینه کرده، می‌تواند کمک حال رسانه ملی باشد؛ پس نباید نسبت به آنها بی‌اعتنا بود. تلویزیون با همین چیزهاست که رشد می‌کند و به جز آن استفاده و انتخاب سوژه‌های جذاب و مناسب و دوری از نگاه سهل‌الوصل در تولید سریال از نکات مهمی است که باید به آن توجه کرد.

البته وقتی بزرگان بازیگری در کاری حضور پیدا کنند، سخت بتوان کار را ساده گرفت چون هر بازیگر باسابقه خودش مانند یک استاد راهنما می‌تواند کار را پیش ببرد. تهیه‌کنندگان و کارگردانان تلویزیون نباید دل خوش کنند به این‌که سریالی ساخته و ساعتی از جدول پخش گرفته‌اند.

سازندگان محصولات بدانند در تلویزیون باید از هر لحظه و هر دقیقه‌ای درست استفاده کرد و نمی‌شود به یک سریال، به چشم محلی برای کسب تجربه نگریست. رسانه ملی رسانه‌ای فراگیر است و باید از منظر کمی و کیفی فراگیر باشد وگرنه مخاطبانش را از دست می‌دهد.

نباید از اعتماد به بزرگان هنری خود بترسیم و چه خوب می‌شود حرمت بزرگان را تا کنارمان هستند بدانیم و از آنها استفاده کنیم برای پربار کردن محتواهای تلویزیون. سوژه‌های تازه در تکامل با بهره‌گیری از تجربیات بزرگ‌ترهاست که به بار می‌نشیند و همان طور که امثال ما حرمت بزرگان هنری را نگاه داشتیم حالا هم بیاییم و حرمت بزرگان را نگه داریم تا آیندگان هم حرمت امروزی‌ها را نگه دارند.

عمق میدان

ساختار پیرامونی و قشر ممتاز وابسته

بخش سوم

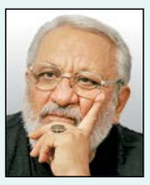

احمد میراحسان
شاعر و پژوهشگر

در قسمت‌های گذشته، به بررسی آثار ناشی از ساختار پیرامونی و نقش و تأثیر نوکیسه‌های برآمده از این ساختار پرداختیم که موانع اصلی بر سر استقرار نظام الهی مورد نظر امام (ره) و رهبر معظم انقلاب هستند، در ادامه بحث باید گفت اکنون برای ما فهم گفتمان تحول ساختاری و نفی ساختار پیرامونی در عرصه‌ها و درک معنای تغییر ساختار در قلمرو نهادهای اجتماعی از جمله نهاد فرهنگ و هنر حیاتی است. باید پرسید واقعا معنای و مشخص تغییر ساختار پیرامونی چیست؟ در ایران یک بلبشو در فهم معنای کلمه ساختار وجود دارد. غالبا رواج عامیانه این کلمه سبب تصوراتی نادرست از معنای آن می‌شود. نشناختن ریشه این واژه در متن دانش مدرن، نشناختن ریشه لاتین و یونانی آن رابطه با تحمل دوران گذار و نفی ساختار پیرامونی حیات واقعی دینی و مستقل و آزاد از سیطره درونی و بیرونی کفر تحقق می‌یابد.

اگر نهادهای ما در جدی گرفتن تقوای مدیریتی و حساب و کتاب و کنترل مؤمنانه و پایبندی به پیگیری هدایت‌های روشن قرآن حکیم طی دهه‌های پی در پی دچار وادادگی شدند، محصول اثر کرد همین وسوسه شیطانی منش غیردینی بود. وادادگی در انتخاب صالح و حرامکاری و خریدآراو تعهدنامزدها به کانون‌های متکبر قدرت اقتصادی و جدی نگرفتن فساد در قوه قضاییه و عدم برخورد شرعی به سردمداران نابودی حقوق ملت و قاضیان خائن و اجازه به گسترش باندهای مافیایی در قوه مجریه و قضاییه و مقننه، نتیجه‌اش رشد قشر ممتازی شد که از ته دل، نوکر و مدافع شیطان غرب و شرق است. مدیران رده اول دورو، از همین جا می‌آیند. کسانی که چنین نشان می‌دهند تابع امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (دامت برکاته) هستند ولی در پشت دیوارها و در خلوت، زندگی اشرافی دارند و خرج ماهانه سفرهای تفریحی و بریز و بپاش خانواده‌هایشان از حقوق چند سال کارگران و کارمندان مستضعف بیشتر است، همدست‌های شیطان بزرگ هستند.

تغییر ساختار، امر یک‌شبه و دوشبه و یک‌ساله و دوساله نیست. استقرار نظام مدرن به جای نظام فئودالی در غرب از رنسانس شروع شد. برابر ظلم طبقه حاکم وحشی و فئودال و اربابان کلیسا و مسیحیت و یهودیت منحرف و دنیاگرا و آزمند، جریان تغییر ساختار در غرب رو به جهان ملحدانه، اومانیسم، لیبرالیسم و دموکراسی یونانی کرد و انسانگرایی و ترک توحید و عقل خود بنیاد و خود بنیان‌انگاری عقل و مدرنیت را سنگ بنای تغییر ساختار و انقلابش کرد. از قرن ۱۱ تا دهه ششم و هفتم قرن ۱۸ چالش عملی، فلسفی، علمی و اجتماعی طول کشید تا به انقلاب و تغییر ساختار سیاسی رسیدند و تحول اقتصادی، اختراعات و غارتگری کشورهای سنتی و سیاست استعماری و رشد صنعتی و توسعه حقوقی، شورش‌ها، آشوب‌ها و جنبش‌ها قرن ۱۹ را پر کرد تا به استقرار دموکراسی غربی منجر شد. غرض آن است، توطئه شیطان در مقاومت برابر انقلاب اسلامی و تاسیس جامعه مستقل و آزاد و سالم و پیشرفت عدالت‌محور، هم یک‌شبه تمام نمی‌شود و اگر مقاومت برای ما تکلیفی الهی است، باید شرایطش را فراهم کنیم.

ساختار مناسب کدام است؟

ساختاری مستقل و اسلامی فرهنگ، هنر، سینما و رسانه ما صورتی است متشکل از نوع مبانی دیدگاهی و میدان دید و سازمان دادن و بنای آن، با مرکزیت نیروی انسانی با همه محتوای موجودیت مادی و معنوی‌اش، آگاهی و اهداف و ایمان و خواستش و رابطه موزون این اجزا باهم.

حال مسجل است، هیچ محتوا و تفکر درست اسلامی در مقام هدف نهاد اجتماعی و حکومتی در ساختار پیرامونی موجود بارور نمی‌شود و به ثمر نمی‌رسد و در نهایت ساختار، امر پیشرفت و عمل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را می‌بلعد و در خدمت خود درمی‌آورد. راه چاره آن است که بدانیم زندگی فرهنگی و دینی ما (نظیر زندگی سیاسی و اقتصادی) نیازمند ساختار متناسب است که عناصرش با عناصر ساختار پیرامونی موجود، از پایه فرق دارد. تغییر ساختاری، این اساس را مدنظر دارد. نکاتی از این موضوع اصلی چنین است:

۱- گزینش جدی مبنای هستی‌شناسی مبتنی بر قرآن و هدایت خاندان وحی، دانایی و آگاهی اسلامی و تفقه دینی برای زندگی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و نه مبنای جهان‌نگری مدرن. این امر باید عملا فهم شود.

۲- مبنای توسعه عدالت و انتظار و ایمان به عدالت جامع الهی که از زمین تا آسمان از دنیا تا آخرت از عالم شهاده تا غیب امتداد دارد و در کار روزمره و فعل هنری و فرهنگی ما و جزئیات عمل‌مان باید بازتاب داشته باشد و شامل عدل همگانی در وسع خود و قرار دادن هر چیز در مواضعش است تا جایگاهش متعلق به خودش باشد.

۳- روابط نیروهای انسانی و کنترل سازمان کنش‌شان تا مبرا از حرام و شرک و نفاق باشند و زمینه حرام‌خواری نهادها و افراد نفی شود.

۴- گسست از همه وجوه نگرش، الگوها، ارزش‌های فرعونیت حاکم بر جهان و شیطان بزرگ و استفاده از علم و تجربه دیگران در ذیل و سایه اجتهاد و تفقه صحیح و معتبر

۵- رها کردن جذابیت دنیاگرایانه، نیست‌انگارانه و متکی بر شهوات حرام و پارادایم‌های کفر و تجاوز و تبعیض در همه نهادها و در فرهنگ و هنر و سینما

۶- ایجاد نهادهای نو بر اساس ارزش‌های الهی، تقوا و تخصص و صلاحیت و نفی سود و فایده برای حفظ قدرت به هر قیمت

۷- کنترل سازمان‌یافته و تقابل با فساد و رانت‌خواری و...

بحث درباره ساختار پیرامونی که در خدمت ربوبیت قدرت کفر و تفرعن جانی شیاطین داخلی، خارجی، مدیریت بی‌تقوا و ناصالح از نظر شناخت حوزه کاری و مسؤولیت و مصرف‌کننده راه‌حل‌های مدرن و بی ایمان به ا... و ترویج امر لغو است و نیز مشخصات ساختار الهی که در خدمت عبودیت است، بس گسترش‌دار است و ادامه‌دار و باید به گفتمان اصلی جامع ما بدل شود.

همین بس که متوجه شده باشیم در مجال مقدس انقلاب اسلامی تکلیف ما در همه عرصه‌های جامعه و کل جامعه تغییر ساختار پیرامونی موجود به ساختار سالم و متقرب به هدایت قرآن و خاندان پاک برای ترویج دادگری و جهاد علیه ظلم و کفر محارب جهانی و رواج تربیت سالم و اسلامی و توسعه عبودیت ملت، دادگری، استقلال و آزادی برابر دیکتاتوری کفر جهانی است و لاغیر.

برش

خطر اعتماد به بلوک غرب

امر تخصصی اصلاح ساختار و تربیت و کنترل نیروهای مدیران و حکومتگران، امری واجب است. در ایران، امروز نسبت به ذره ذره ساختارهای دارای بحران مزمن و علل آن و راه رفع بیماری، اطلاعات و آگاهی علمی کافی وجود دارد. پژوهش علمیروی زندگی ۴۰ ساله هر نهاد از مجلس شورای اسلامی گرفته تا شورای نگهبان، از نهاد دانشگاه تا آموزش و پرورش، از نهاد صنعت تا کشاورزی، رسانه، بهداشت، بیمه، گمرک، ساختار حکمرانی کل، هماهنگی نهادها، روش کنترل و.... همین آقایان حیدری و قالیباف می‌توانند یک سال برای شما برنامه لازم تحول را توضیح دهند. پس چرا در ریل حرکت نمی‌کنیم؟ جدا از توطئه روزمره دشمن برای فرو رفتن در گرداب بحران‌های روزمره، کلید را در ساختار پیرامونی و قشر ممتاز فاسد و مدیران متصل با بند ناف فساد بجویید که به بقای این ساختار و نداشتن رفتار انقلابی و اعتماد نداشتن و اتکا به نیروی مردم و به صحنه آوردن‌شان ختم می‌شود. جست‌وجو کنیم چرا از اشتباهات درس نمی‌گیریم. قرار نیست افراط و تفریط بلوک شرق نامرحوم را تکرار کنیم یا به بلوک غرب غارتگر اعتماد کنیم تا دست از بحران‌زایی بردارد و دست ما را در پوست گردو نگذارد اما قرار هم نیست پندار پوچی داشته باشیم دال بر آن‌که می‌توان در ساختار پیرامونی تولید محتوای الهی کرد و با بنای پهلوی و بروکراسی فاسد و فشل و بی‌نظارت و کنترل و مجازات محتوای حقیقی انقلابی را به اجرا درآورد.

لزوم ورود دستگاه‌های نظارتی پیرامون تغییر ماهیت کودکان کار

کودکان مشغول کارند!

کودکان کار خیابانی به رنگی دیگر و در ساحت «کودکان اینستاگرامی» خود را نشان داده‌اند. این بار کودکان کار نه فارغ از خانواده و پشتیبان، بلکه صاحب یک تیم رسانه‌ای قوی، مدیر برنامه و خانواده‌هایی بوده که نه از داشتن کودک مورد نظر در خسرانند، که به داشتن کودک و به نوعی بهره‌ای از آن کودک می‌بالند. بلعیدن فست‌فودها، ورود کودکان به صنعت عرضه پوشاک، لوازم آرایشی یا ایجاد تفنن از جنس خنده‌های کودکانه، دابسمش و یا تقلید از این و آن و در نمونه بدیع‌تر، تبدیل ساختن کودک به یک ورزشکار فوق حرفه‌ای برای عرضه بهتر است.

۱۲